

بحثی در بدیع

دکتر جلیل تجلیل

واژه بدیع بمعنی نو و تازه و در اصطلاح، هنری است که از زیبایی و آرایش سخن بحث می‌کند و ظرافتها و صنایعی را مورد بررسی قرار می‌دهد که رعایت آنها مایه آراستگی و زیبایی و موجب دلپذیری سخن است.

بنیاد این هنر گرچه تاکنون دانسته نیست که بدست چه کسی ریخته شده، لکن بنا بر اجماع روایات، عبدالله بن معتمر از خاندان خلافت عباسی (متوفای ۲۹۶) کتاب بدیعی بیاراست و نزدیک به هفده عنوان از صنایع بدیعی را گرد آورد. آنگاه عبدالقاهر جرجانی (در گذشته بسال ۴۷۱) با دو کتاب گرانیهای خود دلائل الاعجاز و اسرارالبلاغه شالوده بلاغت و نقد ادبی را ریخت و فوننی از بدیع را در بوته موازنه و بررسی قرار داد. کسانی مثل قدامة بن جعفر در کتاب نقدالشعر و ابن رشیق و ابوهلال عسکری در العمده و الصناعتين و شیخ صفی‌الدین حلّی در نفحات الازهار و در زبان فارسی رادویانی در ترجمان البلاغه و رشیدالدین وطواط در حدائق السحر^(۱) مباحث بدیع را گردآوری و مورد بررسی قرار داده‌اند؛ انوارالربیع ابن معصوم و ابداع البدایع گرگانی را که اولی به عربی و دومی بفارسی تدوین شده از کتابهای پراچ این هنر می‌شناسیم و اینها که بدان اشارت رفت مشتق از خروار و نمونه‌ای است از مساعی بسیار که در طول قرن‌ها چکیده ذوق و نفع اندیشه بدیع‌شناسان اسلامی و ایرانی را نشان می‌دهد و مایه درخشش و تبلور فرهنگ گرانقدر ماست.

باری فن بدیع از دو گونه ظرافت و صنعت سخن می‌راند:

۱- صنایع لفظی ۲- صنایع معنوی

۱- صنایع لفظی زیباییها و ظرافتها و تناسبهایی است که در اندام الفاظ دیده می‌شود مانند جناس، ترصیع، سجع، اعنات، تضمین، ردّ العجز علی الصدر، ردّ الصدر علی العجز، ردّ المطلع، لفّ و نشر و جز اینها.

۲- صنایع معنوی: حاصل ملاحظات و موشکافی‌هایی است که از زیبایی بیان و لطف تعبیر می‌خیزد و از اشتراك یا افتراق معانی و مناسبات آنها در پهنه مفهوم و محتوا بحث می‌کند. همچون: ایهام، التفات، مراعات نظیر، تنسیق صفات، براعت استهلال، ارسال المثل، استعاره و جمع و تفریق و تقسیم و غیره.

تلمیح

تلمیح در لغت به معنی نگاه کردن و اشاره نمودن به سوی چیزی است و در اصطلاح بدیع، اینست که شاعر در شعر خود به قصه یا مثل معروف در طی واژه‌ها یا تعابیر اشارتی بکند.

در بیت زیر، حافظ با آوردن «قارون» به داستان گنج قارون و خواسته بیکرانش که در قرآن کریم آمده است: تلمیح دارد:

«ان قارون كان من قوم موسى فبغى عليهم و اتيناه من الكنوز ما ان مفاتحه لتتوء بالعضية، اولى القوة اذقال له قومه لا تفرح ان الله لا يحب الفرحين» ۱۷۶ قصص

هنگام تنگدستی در عیش کوش و مستی
کان کیمیای هستی قارون کند گدا را
و در بیت زیر:

ز آتش وادی ایمن نه منم خرم و بس
موسی آنجا به امید قبسی می‌آید
عبارت آتش وادی ایمن، اشاره و تلمیحی دارد به آیه زیر:

« فلما آتيتها نودی من شاطئ الواد الايمن في البقعة المباركة من الشجرة ان يا موسى انى انالله رب العالمين » ۳۰ قصص.

و باز حافظ در بیت زیر:

من از آن حسن روزافزون که یوسف داشت دانستم

که عشق از پرده عصمت برون آرد زلیخا را
به داستان حضرت یوسف^(ع) که در قرآن کریم نقل شده است، اشارت و تلمیح دارد: «...»

فلما رأینة اکبرته و قطعن ایدیهن و قلن حاش لله ما هذا بشرا ان هذا الا ملک کریم» (از آیه ۳۲ سوره یوسف) تلمیح میدان وسیع و پهنه بیکران دارد و به تلمیحات قرآنی محدود

نیست بلکه وقایع، اساطیر، امثال و فرهنگ عامه می‌تواند میدان تجلی تلمیح باشد، چنانکه حافظ در بیت زیر:

آیینۀ سکنر جام می است پنگر
تا بر تو عرضه دارد احوال ملک دارا
که به داستان جام اسکندر و آیینۀ اسکندر اشاره دارد و سعدی در بیت زیر:

دگر به روی گسم دیده بر نمی‌باشد
خلیل من همه بت‌های آذری بشکست
به داستان بت‌شکنی ابراهیم خلیل اشارت دارد.

ترصیع

ترصیع در لغت این است که جواهر را در زر بنشانیم و در اصطلاح بدیع، شعر یا نثری که واژه‌های آن هماهنگ و در حروف آخر همانند باشند «ترصیع» می‌نامیم. دو نمونه از آن را ملاحظه کنید:

۱- از سعدی:

قدمی بهر خدا نهند و درمی بی‌من و اذی ندهند

قدمی با درمی و خدا با اذی و نهند با ندهند متوازن و هماهنگ است.

۲- از رشیدالدین و طواط:

ای منور به تو نجوم جمال وی مقرر به تو رسوم کمال
بوستانی است صدر تو به نعیم و آسمانی است قدر تو ز جلال
در ابیات فوق منور با مقرر و نجوم با رسوم و صدر با قدر و بوستان با آسمان هماهنگ
و در حروف آخر، مشابه و همانند است.

ادامه دارد



پی‌نوشت:

۱- و شمس قیس در المعجم فی معاییر اشعار العجم

کتابسرای نور، محل عرضه کتابهای ایران‌شناسی از تاریخ ششم
تیرماه سال جاری در طبقه همکف برج «ب» مجتمع مسکونی
آ.اس.پ واقع در تهران - خیابان سید جمال‌الدین اسدآبادی -
خیابان ۶۴ افتتاح گردید.